اقتصاد سبز

آسیا مقام اول انتشار گازهای گلخانه‌ای حاصل از بقایای گیاهی

فاطمه پاسبان
کارشناس کشاورزی

● یکی دیگر از منابع انتشار گازهای گلخانه‌ای در بخش کشاورزی، گازهای خروجی ناشی از سوزاندن بقایای گیاهی در مزارع است؛ ازجمله روش‌های متداول برای حذف بقایای گیاهی مزارع، سوزاندن باقی‌مانده محصولات پس از برداشت است که این اقدام اثرات مخرب فراوانی برای خاک و محیط‌زیست دارد. مروری بر مطالب محققان دراین‌خصوص نشان می‌دهد سوزاندن باقی‌مانده محصولات به ازبین‌رفتن مواد غذایی به‌خصوص عناصر ریزمغذی، کاهش حاصلخیزی و افزایش درصد فرسایش خاک منجر می‌شود. یکی دیگر از اثرات مضر سوزاندن بقایای گیاهی به‌هم‌خوردن چرخه زندگی حشرات مفید و ازبین‌رفتن میکروارگانیسم‌های زنده مانند باکتری‌ها، قارچ‌ها، انواع کرم‌ها و کنه‌های مفید در خاک است که با کاهش جمعیت آنها از میزان عملکرد محصول نیز تا حد زیادی کاسته می‌شود. از دیگر آثار مخرب می‌توان به انتشار گازهایی نظیر مونواکسیدکربن، دی‌اکسیدکربن، اکسیدنیتروژن و سایر گازهای تولیدی که از فرآیند آتش‌زدن مزارع به‌وجود می‌آیند و جزو گازهای گلخانه‌ای هستند، اشاره کرد. این درحالی است که می‌توان با مدیریت بهینه و فرآوری بقایای گیاهی علاوه‌بر حفظ خاک و افزایش بهره‌وری درصد بالایی از کمبود علوفه و سوءتغذیه دام‌ها را مرتفع کرد. بنابراین توجه به موضوع بقایای گیاهی از جهات مختلف و از جمله انتشار گازهای گلخانه‌ای اهمیت دارد. آمار فائو نشان می‌دهد در سال۲۰۱۱، کل تولید گازهای گلخانه‌ای جهان، حاصل از سوزاندن بقایای گیاهی در مزارع، ۱۹۷تن معادل دی‌اکسیدکربن بوده که حدود چهاردرصد از انتشار گازهای گلخانه‌ای بخش کشاورزی را به خود اختصاص می‌دهد. در این سال سهم انتشار گازهای گلخانه‌ای حاصل از سوزاندن بقایای گیاهی در مزارع برای کشورهای غیرضمیمه I و غیرمتعهد حدود دوسوم کل است. در طول دوره ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۱ انتشار گازهای گلخانه‌ای حاصل از سوزاندن بقایای گیاهی در مزارع ۲۰درصد افزایش داشته و از رقم ۱۶۴ به ۱۹۷تن معادل دی‌اکسیدکربن رسیده است. رشد این نوع گازهای گلخانه‌ای در کشورهای غیرمتعهد بیشتر بوده، به‌طوری‌که طی دوره ۲۷درصد رشد داشته و از ۹۹ به ۱۲۶تن معادل دی‌اکسیدکربن بالغ شده است. این درحالی است که در سال۱۹۹۰، انتشار گازهای گلخانه‌ای حاصل از بقایای گیاهی در مزارع برای کشورهای غیرمتعهد ضمیمهI، حدود ۴۸درصد رشد داشته، درحالی‌که در کشورهای متعهد فقط چهاردرصد افزایش نشان می‌دهد. آمار فائو نشان می‌دهد طی دوره ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۱ قاره‌آسیا بزرگ‌ترین انتشاردهنده گازهای گلخانه‌ای ناشی از سوزاندن بقایای گیاهی در مزارع، با ۴۷درصد سهم بوده و بعد از آن آمریکا با ۲۷درصد سهم، اروپا با ۱۷درصد سهم و آفریقا با هفت‌درصد سهم قرار دارند. ملاحظه می‌شود بازهم قاره‌آسیا و کشورهای غیرمتعهد عاملان اصلی انتشار گازهای گلخانه‌ای حاصل از بقایای گیاهی هستند. میانگین رشد تولید گازهای گلخانه‌ای حاصل از سوزاندن بقایای گیاهی در مزارع طی مدت مشابه برای آفریقا سه‌درصد، آمریکا ۲/۵درصد و آسیا ۲/۲درصد است. این درحالی است که اروپا پایین‌ترین نرخ رشد یعنی ۰/۵درصدی را داراست. ازسوی‌دیگر اطلاعات نشان می‌دهد طی دوره ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۱ تولید گازهای گلخانه‌ای حاصل از سوزاندن بقایای گیاهی در مزارع برحسب زیرمجموعه آن به‌صورتی است که برنج و گندم هرکدام با ۲۷درصد سهم، ذرت ۲۱درصد سهم، سویا ۱۰درصد سهم، جو شش‌درصد سهم، ذرت خوشه‌ای سه‌درصد سهم و سایر محصولات حدود شش‌درصد سهم را دارا بوده است. سوزاندن بقایای گیاهی حاصل از گندم و برنج عاملان اصلی تولید گازهای گلخانه‌ای هستند. باتوجه به میانگین دهه۲۰۰۰فائو پیش‌بینی می‌کند تولید گازهای گلخانه‌ای حاصل از سوزاندن بقایای گیاهی در مزارع در سال۲۰۳۰ و۲۰۵۰ با ۲۵ و ۳۵درصد افزایش به رقم ۲۳۵تن معادل دی‌اکسیدکربن در سال۲۰۵۰ برسد. همچنین براساس اطلاعات فائو برای کشور ایران ملاحظه می‌شود در سال۲۰۱۲ میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای حاصل از سوزاندن بقایای گیاهی در مزارع حدود ۱/۷تن معادل دی‌اکسیدکربن است، که حدود ۴/۲درصد کل انتشار گازهای گلخانه‌ای بخش کشاورزی ایران را به خود اختصاص داده است. طی دوره ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۱ نرخ رشد سالانه انتشار گازهای گلخانه‌ای حاصل از سوزاندن بقایای گیاهی در مزارع ایران حدود ۲/۸درصد است که از رقم ۱/۳تن در سال۲۰۰۱ به رقم ۱/۷تن معادل دی‌اکسیدکربن در سال۲۰۱۱ رسیده است. همچنین اطلاعات نشان می‌دهد در سال۲۰۱۱ از مجموع انتشار گازهای گلخانه‌ای حاصل از سوزاندن بقایای گیاهی در مزارع ایران، حدود ۶۱درصد سهم گندم، ۱۴درصد سهم جو، ۱۲درصد سهم برنج، ۸/۳درصد سهم ذرت، ۳/۵درصد سهم سیب‌زمینی، ۰/۸درصد سهم سویا، ۰/۷درصد سهم لوبیای‌خشک و ۰/۰۴درصد سهم ارزن است که گندم سهم مهمی دارد.

«زهرا کریمی» با اشاره به عملکرد دولت در زمینه کاهش تورم با هزینه رکود تاکید کرد

برنامه‌ای جدی برای مقابله با بیکاری وجود ندارد

صرفه‌جویی در هزینه اشتغال، هزینه مقابله با مشکلات اجتماعی و سیاسی را بالا می‌برد

شرق: رابطه‌ای جدی میان بیکاری و افزایش بزه در جامعه، بارها از سوی کارشناسان مورد تاکید قرار گرفته است. با توجه به وضعیت رکود در بازار و میزان بالای بیکاری در جامعه که قشر تحصیلکرده را نیز شامل می‌شود، نگرانی‌هایی را برای آینده کشور به وجود آورده است. در این رابطه ورود مستقیم دولت برای ایجاد بسترهای اشتغال ضروری به نظر می‌رسد در حالی که به‌گفته زهرا کریمی، اقتصاددان: «دولت پذیرفته است پایین‌آوردن بیکاری را در اولویت قرار دهد، اما در عمل منتظر است سازوکار بازار به تنهایی این وضعیت را تغییر دهد. ما در هیچ‌جای دنیا نمی‌بینیم معضلات عمیق اقتصادی در دوران بحران و به‌ویژه رکود با سازوکار بازار حل شده باشد. دولت‌ها تلاش می‌کنند خودشان در مناطق مختلف حرکت ایجاد کنند. گروهی که ستاد اقتصادی دولت را در دست دارند، به مداخله جدی دولت در اقتصاد گرایش چندانی ندارند و علاقه‌ای نشان نمی‌دهند که از سایر اقتصاددانان نظرخواهی کنند تا شاید بتوان راهکارهای دیگری هم پیدا کرد.» به عقیده وی: «اگر دولت هیچ کاری نکند، مشکلات کشور نه‌تنها رفع نمی‌شوند، بلکه روزبه‌روز هم بزرگ‌تر می‌شوند. دولت برای طرح‌های اشتغال‌زا بودجه کمی دارد ولی ناگزیر برای کنترل زندان‌ها، نیروی انتظامی یا بهداشت عمومی مجبور است بودجه‌های کلانی صرف کند. وقتی ما در هزینه اشتغال صرفه‌جویی می‌کنیم، طبیعتا مجبور به هزینه‌کردن برای مقابله با مشکلات اجتماعی خواهیم شد. این فرآیند حتی از لحاظ سیاسی هم می‌تواند پرهزینه باشد.» عضو هیات علمی دانشگاه مازندران در گفت‌وگویی که با «شرق» داشت، تاکید کرد تدوین برنامه کوتاه‌مدت برای ایجاد اشتغال در کشور ضروری است و دولت در مدت دوساله‌ای که در اختیار داشت، هنوز برنامه روشنی برای اینکه تغییری اساسی در بازار کار ایجاد کند، ارایه نکرده است.» وی افزود: «به نظر می‌آید نظر دولت این است که با بهبود فضای کسب‌وکار، ریسک سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را کاهش دهد و بخش خصوصی در این فضا به سرمایه‌گذاری مولد دست بزند. این مساله بسیار زمانبر است و معلوم نیست چه زمانی به نتیجه برسد.» ماحصل این گفت‌وگو را در ادامه بخوانید:

عکس: امیرحیدری، شرق

شما به‌عنوان چهره مطرح در حوزه بازار کار ایران، قاعدتا از برنامه‌های اشتغال دولت یازدهم باخبر هستید. از این طرح‌ها بگویید.

اطلاعات من چندان دقیق و کامل نیست اما از برخی طرح‌هایی که در وزارت کار مطرح است، مطلع هستم. یکی از این طرح‌ها، طرح کارورزی است. در این طرح فارغ‌التحصیلان دوره‌های مختلف دانشگاهی به کارخانه‌ها و شرکت‌ها معرفی می‌شوند. این افراد در این دوره حقوقی معادل ۴۰۰هزارتومان در ماه دریافت می‌کنند که ۳۰درصد از آن را دولت پرداخت می‌کند. افراد در طول این مدت هم کار می‌کنند و هم کار را یاد می‌گیرند. من فکر نمی‌کنم در شرایط فعلی و تداوم رکود، این طرح تاثیر چندانی بر بیکاری و اشتغال داشته باشد. بنگاه‌ها در نهایت اگر بتوانند با توجه به یارانه‌ای که دولت می‌دهد، این نیروی کار جدید کارورز را جایگزین نیروی کار قبلی خود خواهند کرد. یکی دیگر از طرح‌های جدی ایجاد فرصت‌های شغلی برای ایثارگران است. در این طرح هم مشوق‌هایی برای کارفرمایان در نظر گرفته شده تا از نیروی کار ایثارگران در بنگاه خود استفاده کنند. این هم مشابه بحث کارورزی نمی‌تواند به صورت خالص تعداد فرصت‌های شغلی را در کشور بالا ببرد. این اقدام هم ممکن است به کاهش تعداد نیروی کار سابق در جهت استفاده از نیروی کار جدید منجر شود. طرح‌های دیگری در زمینه ایجاد سایت‌هایی در جهت جمع‌آوری سرمایه برای کارآفرینان ارایه شده که آنها هم با اماواگرهای بسیاری مواجهند. نهایتا می‌توان گفت متاسفانه دولت یا وزارت کار در این مدت دوساله طرحی که بتواند تغییری اساسی در بازار کار ایجاد کند، ارایه نکرده‌اند. به نظر می‌آید نظر دولت این است که با بهبود فضای کسب‌وکار، ریسک سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را کاهش دهد و بخش خصوصی در این فضا به سرمایه‌گذاری مولد دست بزند. این مساله بسیار زمانبر است و معلوم نیست چه زمانی به نتیجه برسد.

علت اینکه دولت برنامه خاصی ارایه نکرده، چیست؟ مشکل نداشتن برنامه است یا مسایل دیگری مثل کمبود بودجه و... مطرح است.

همان‌طور که گفتم اولین چیزی که دولت روی آن تاکید دارد، این است که فضای پرریسک سرمایه‌گذاری در کشور را بهبود بخشد. این کار نیازمند ابزارهای مختلفی است که شامل تعلیق یا کاهش تحریم‌ها و گسترش روابط بین‌المللی می‌شود تا نگرانی بخش خصوصی نسبت به آینده کشور کاهش یابد. کسی با این امر مشکلی ندارد اما معلوم نیست که رفع یا تعلیق تحریم‌ها چه زمانی به نتیجه برسد. حتی اگر تحریم‌ها تعلیق شوند مدت‌ها طول خواهد کشید تا سرمایه‌گذاری‌ها به سمت فعالیت‌های اشتغال‌زا حرکت کنند. بحث دیگر این است که در این شرایط کاهش قیمت جهانی نفت هم دست دولت را تنگ‌تر کرده است. دولتی که با خوشحالی از کاهش نرخ تورم دم می‌زند، نسبت به افزایش تورم بسیار نگران و محتاط است؛ برای به حرکت‌درآوردن چرخ‌های اقتصاد کشور از طریق ایجاد کسری بودجه چندان گرایشی ندارد. اگر دولت بخواهد بودجه متوازنی داشته باشد و پول چاپ نکند و در نتیجه تورم را کنترل کند، چاره‌ای ندارد جز اینکه دست‌روی‌دست بگذارد تا شرایط اشتغال در طول زمان و با بهبود فضای کسب‌وکار خودبه‌خود اصلاح شود.

یعنی دولت به‌خاطر دستاورد کاهش تورم نمی‌خواهد فعلا کاری انجام دهد؟

به غیر از این، دولت عمدتا به‌دنبال رفع تحریم و حل‌شدن مساله اشتغال از طریق بخش خصوصی است. من برنامه‌ای جدی برای مقابله با بیکاری در دولت ندیده‌ام. من به دولت توصیه می‌کنم سناریوهایی را برای بهبود شرایط اشتغال در کشور برای کوتاه‌مدت در نظر بگیرد.

زمانی که پای صحبت فعالان اقتصادی می‌نشینیم، اغلب آنها از کمبود نقدینگی و شرایط نامساعد فضای کسب‌وکار گله می‌کنند. با توجه به این موضوعات حتی اگر تحریم‌ها برداشته شوند، به نظر نمی‌آید مشکلات تولید و تولیدکنندگان که عمدتا داخلی هم هستند، کم شود. شما به‌عنوان یک کارشناس چه نظری دارید، به نظر شما تعلیق تحریم‌ها منجر به رونق تولید و اشتغال‌زایی می‌شود؟

در حال حاضر عمده‌ترین مشکل بنگاه‌های ما نداشتن سرمایه در گردش و نقدینگی است. با این‌حال در همین شرایط پول هنگفتی در دست بخش خصوصی است. بخش خصوصی هیچ گرایشی برای تزریق این پول به سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت ندارد. این بخش علاقه دارد که به قول معروف سرمایه‌اش زیر سرش باشد و به‌راحتی بتواند آن را نقد کند.

ادامه در صفحه ۱۵

خبر

مذاکره برای صادرات آب به قطر و کویت

● **ایسنا:** مشاور وزیرنیرو درمورد صادرات آب بسته‌بندی اظهار کرد: با کشورهایی چون کویت و قطر مذاکراتی در زمینه صادرات آب انجام دادیم. اسماعیل محصولی، قائم‌مقام سابق وزیر نیرو در امور بین‌الملل درمورد احتمال واردات آب بسته‌بندی پس از تفکیک آب شرب و بهداشتی به‌دلیل حفظ کیفیت آب شرب، گفت: تاکنون بحث واردات آب مطرح نشده است. محصولی اظهار کرد: شرکت‌های متعددی آمادگی فعالیت در زمینه آب بسته‌بندی را دارند و بخش خصوصی علاقه‌مند به این کار است.

درخواست تشکیل نشست اضطراری اوپک

● **تسنیم:** رییس دوره‌ای اوپک گفت اگر قیمت نفت مجددا کاهش یابد، طی شش‌هفته آینده یا زودتر درخواست تشکیل نشست اضطراری اوپک را مطرح خواهد کرد. نیجریه، یکی از اعضای اوپک است که شدیدترین آسیب را از کاهش قیمت نفت دیده است؛ کاهشی که سیاست عدم کاهش تولید اوپک، آن را شدت بخشیده است. نیجریه در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری، ناگزیر شده است مالیات‌ها را افزایش دهد و از هزینه‌ها بکاهد. دیزانی آلیسون مادوئکه، وزیر نفت نیجریه که ریاست دوره‌ای اوپک را نیز برعهده دارد، در سفر این هفته خود به لندن تلاش کرد تا شانس‌های بازگرداندن قیمت نفت به سطح قبلی را از طریق کاهش تولید تبیین کند.

ایران پنجمین کشور صادرکننده کاشی‌وسرامیک

● **ایرنا:** عضو انجمن صنفی تولیدکنندگان کاشی‌وسرامیک کشور با بیان اینکه ایران در حال حاضر چهارمین تولیدکننده و همچنین پنجمین صادرکننده کاشی‌وسرامیک در جهان است، گفت: با ورود تکنولوژی‌های روز تولید این صنعت به کشور، هم‌اکنون محصولات ایرانی توان رقابت با محصولات مشابه خارجی را دارند. مجتبی شیرآلی افزود: در حال حاضر حدود ۱۳۰واحد صنفی با ظرفیت تقریبی ۷۰۰میلیون‌مترمربع در کشور وجود دارد که سالانه حدود ۴۵۰میلیون‌مترمربع انواع کاشی‌وسرامیک تولید می‌کنند.

برون‌رفت از رکود نیمه‌اول سال ۱۳۹۳

احسان سلطانی
پژوهشگر

پس از یک‌دهه اقتصاد متکی به نفت، کاهش درآمدهای نفتی در سال۱۳۹۱ منجر به رکود اقتصادی شدیدی در کشور شد که تبعات آن تا سال۱۳۹۲ نیز ادامه یافت. گزارش‌های بانک مرکزی حاکی از رشد اقتصادی در نیمه‌اول سال۱۳۹۳ است. پیش از آنکه به بررسی دوره رکود و چشم‌انداز برون‌رفت از آن پرداخته شود، نگاهی کوتاه به وضعیت اقتصاد در آخرین سال پیش از رکود می‌اندازیم. در سال۱۳۹۰ سهم بخش‌های خدمات، صنعت، نفت، ساختمان و کشاورزی به‌ترتیب ۵۵/۶، ۱۶/۶، ۱۶/۱، ۶/۹ و ۵/۶درصد از کل اقتصاد است. در بخش صنعت حدود ۲۷درصد از کل ارزش‌افزوده صنعتی و ۵/۶درصد از تولید ناخالص داخلی ایجادشده در دهه۸۰ مربوط به خودروسازی بوده است. روند رشد افزایش تولید خودرو در کشور به میزان بالایی متکی به واردات قطعات و مونتاژ آنها بوده به صورتی که در طی دوره اقتصاد نفتی (۹۰-۱۳۷۸) واردات قطعات و اجزای خودرو با بیش از ۱۲برابر افزایش (هرسال یک‌برابر افزایش متوسط) به حدود پنج‌میلیارددلار در سال۱۳۹۰ بالغ شد. در رکود اقتصادی سال۱۳۹۱ بخش نفت با کاهش ۳۷/۴درصدی عامل اصلی محسوب می‌شود و پس از آن بخش‌های صنعت و ساختمان با نرخ رشد منفی ۸/۵ و ۳/۶درصد تاثیرگذار بوده‌اند. سهم بخش‌های نفت، صنعت و ساختمان از کل رکود ایجادشده به‌ترتیب ۸۹، ۲۱ و چهاردرصد محاسبه می‌شود. در بخش صنعت، سهم صنایع ماشین‌آلات از کل کاهش تولید ناخالص داخلی ۲۳/۳درصد بوده که عمدتا مربوط به خودروسازی است. نرخ رشد ارزش‌افزوده بخش خدمات از ۵/۸درصد در سال۱۳۹۰ به ۱/۱درصد در سال۱۳۹۱ نزول کرد اما منفی نشد و نرخ رشد منفی ۰/۱درصدی بخش کشاورزی در سال۱۳۹۰ به مقدار مثبت ۳/۷درصدی در سال۱۳۹۱ صعود کرد. با تداوم رکود در سال۱۳۹۲ ضمن آنکه از نقش بخش‌های نفت و صنعت در بروز آن کاسته شد، بخش خدمات نیز درگیر آن شد. در سال۱۳۹۲ نسبت به سال۱۳۹۱ بخش‌های نفت، خدمات و صنعت به‌ترتیب با کاهش ۱۹هزارو۴۶۰، ۱۷هزارو۷۳۷ و ۱۲هزارو۹۰۳میلیاردریالی ارزش‌افزوده مواجه بوده‌اند که به مفهوم تاثیر مهم بخش خدمات (با ۴۶درصد از کاهش ارزش‌افزوده ایجادی کل اقتصاد) در تداوم رکود در سال۱۳۹۲ است. با تحلیل رشد چهاردرصدی نیمه‌اول سال۱۳۹۳ نسبت به سال۱۳۹۲، ملاحظه می‌شود که بخش‌های خدمات، صنعت و نفت به‌ترتیب با ۱۴/۸ (۳۷/۵درصد از کل)، ۹/۶ (۲۴/۲درصد) و ۸/۹ (۲۲/۴درصد) هزارمیلیاردریال ایجاد ارزش‌افزوده، ۸۴درصد از رشد اقتصادی را برعهده داشته‌اند.

با توجه به اینکه برآورد رشد بخش صنعت در فصل اول سال۱۳۹۳ براساس شاخص تولید کارگاه‌های بزرگ صنعتی کشور بوده، ملاحظه می‌شود که خودروسازی با رشد ۶۹درصد (و ضریب ارزش ۱۶/۳درصد) عامل اصلی رشد صنعت معرفی شده است. نظر به وابستگی بالای خودروسازی به قطعات وارداتی، سهم مهمی از رشد خودروسازی باید به علت تسهیل واردات قطعات و اجزای خودرو در نیمه دوم سال۱۳۹۲ رخ داده باشد. بنابراین با تکیه بر مونتاژ ورودی وارداتی، خودروسازی نمی‌تواند تا این حد بر افزایش درآمد صنعتی کشور تاثیرگذار باشد. در شرایطی که شاخص سهام در بورس تهران از ۸۹هزار واحد به ۶۵هزار واحد افت کرده و گفته می‌شود با توجه به کاهش ۴۰درصدی متوسط قیمت سهام باید بیش از این باشد، صحبت از رشد اقتصادی و آن هم در بخش صنعت چندان چنگی به دل نمی‌زند. با توجه به اوضاع کلی دیگر صنایع کشور به نظر می‌رسد نه‌تنها اغلب بخش‌های صنعتی رشد چندانی نداشته، بلکه به‌ویژه در صنایع کوچک و متوسط رکود عمیق‌تر شده است. در بخش خدمات فعالیت‌های بازرگانی، رستوران و هتل‌داری مسوول ۴۴/۵درصد از کل ایجاد ارزش‌افزوده این بخش بوده و ۱۶/۷درصد از کل ایجاد تولید ناخالص داخلی را برعهده داشته است. پس از آن، فعالیت‌های بانکی و بیمه و حمل‌ونقل به‌ترتیب با ۱۴/۳ و ۶/۳درصد از کل ایجاد تولید ناخالص داخلی قرار دارند. نکته بسیار قابل‌توجه و حائز اهمیت در حساب‌های ملی توجه به شاخص ضمنی تعدیل‌کننده است که وضعیت تورمی بخش‌های اقتصادی را نشان می‌دهد. در حالی که بخش‌های نفت، بازرگانی و هتل‌داری، صنعت، ساختمان و بانکی و بیمه ۹۰درصد از رشد اقتصادی شش‌ماهه ۱۳۹۳ را ایجاد کرده‌اند، همه این بخش‌ها از رشد تورمی کمتر از کل اقتصاد (۱۷درصد) برخوردار بوده‌اند. به‌عبارت دیگر باوجود کاهش قیمت‌ها، این بخش‌ها مولد رشد شده‌اند. چگونه با وجود افزایش هزینه‌های مالیاتی، مالی، انرژی، دستمزدها، لجستیک و عمومی بیش از ۲۰درصد و رکود عمومی بازار فروش، بخش صنعت توانسته با ۱۰/۵درصد افزایش قیمت رشد تولید ۶/۵درصدی داشته باشد که خود جای تعمق و سوال دارد. در بخش خدمات، سهم بالای ۱۴/۳درصدی بخش مالی (بانکی و بیمه) کشور از ایجاد تولید ناخالص داخلی کشور باوجود سهم ۴/۲درصدی از کل اقتصاد گزارش شده است که آن هم با میزان بالای کاهش تورمی شدید منفی ۲۹درصد روبه‌رو بوده است.